

دعا کردن با نام عیسی مسیح

یعقوب ۵، ۱۳-۱۷

امروز می‌خواهم یک نقل قول از فرد بیماری بخوانم: او گفت «احساس می‌کنم در غاری گرفتار شده‌ام که هیچ راهی برای خروج از آن وجود ندارد. درد آنقدر شدید است که نمی‌توانم به چیزی دیگر فکر کنم. همه برنامه‌های آینده خنثی شده‌اند. من آینده‌ای ندارم و کسی نیست که بتواند آن را درک کند. من با ناامیدی، و ضعف خودم تنها هستم.»



مگر اینکه ناگهان بمیریم، همه ما شرایط ذکر شده را تجربه خواهیم کرد. چگونه با آن برخورد می‌کنیم؟ وقتی تبلیغات را می‌بینم که به ما وعده سلامتی و شفا می‌دهند، متوجه می‌شوم که بیشتر مردم می‌خواهند از بیماری اجتناب کنند. همه ما رویای این را داریم که روزی کاملاً سالم و کاملاً شاد باشیم. ما رویای تجربه عشق و رضایت کامل را در محل کار و خانواده داریم و در نهایت می‌خواهیم آرامش تمام را در دنیای خود ببینیم. اما شفای همه جانبه یک توهم است که باقی می‌ماند. روش‌های درمانی متعدد سراب‌هایی هستند که سعی می‌کنند ما را قانع کنند که می‌توانیم کاملاً سالم شویم. واقعیت این است که ما انسان‌ها هرگز کاملاً سالم نمی‌شویم و در عین حال همیشه با بیماری‌های گوناگون روبرو می‌شویم.

اما اگر مریض شویم باید چه کارکنیم؟ من اکنون متن کتاب مقدس را برای این یکشنبه از یعقوب ۵، ۱۳-۱۶ می‌خوانم:

اگر کسی از شما در مشکل است، دعا کند؛ اگر کسی شاد است، سرود حمد بخواند. 14 اگر کسی از شما بیمار است، مشایخ کلیسا را فرا خواند و آنها برایش دعا کنند و به نام خداوند او را با روغن تدهین نمایند. 15 دعای با ایمان، بیمار را شفا می‌بخشد و خداوند او را برمی‌خیزاند، و اگر گناهی کرده باشد، آمرزیده می‌شود. 16 پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص پارسا، با قدرت بسیار عمل می‌کند.

یعقوب می‌خواهد دست ما را بگیرد و ما را از غارهای زیادی که در آنها گرفتار ایم آزاد کند. اولین کاری که او انجام می‌دهد این است که به ما نشان می‌دهد که لازم نیست تنها باشیم، بلکه می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم. اشتباه است که فرض کنیم باید سخت‌ترین چیزها را در زندگی به تنهایی تحمل کنیم. متأسفانه این رفتار را بیشتر اوقات انجام می‌دهیم. شاید به این دلیل است که ما به طور کلی مشکلی با بیماری داریم. درمان بیماری‌ها اغلب در اتاق‌های مشاوره متخصصان انجام می‌شود و این فضای خصوصی به شدت محافظت می‌شود. در نتیجه، فرد تنها می‌ماند و دیگر نمی‌تواند تصور کند چگونه نگرانی‌های خود را با برادران یا خواهران مسیحی خود در میان بگذارد. شاید پشت این ترس از رنج یک مشکل اساسی نهفته باشد: ناتوانی ما در پذیرش شرایط ضعف. ما همیشه سعی می‌کنیم قوی‌تر، زیباتر و باهوش‌تر باشیم. با این حال، زمانی که فردی با چالش‌هایی مواجه می‌شود، برای ما برخورد مناسب با او و ابراز همدردی دشوار می‌شود. به این دلیل ما کسانی را که مریض می‌شوند به تنهایی تبعید می‌کنیم و حتی تنها حیثیت باقی مانده آنها را نادیده می‌گیریم. مشکل چنین رفتاری این است که نه تنها ما به طور کلی با ضعف مشکل داریم، بلکه نمی‌توانیم در مورد علت ضعف شدن نیز صحبت کنیم. در پشت همه‌ی آسیب‌ها و مریضی‌ها ضعف اساسی است که از گناه ناشی می‌شود. همه‌ی ما در این سرنوشت با یکدیگر شریک هستیم. چیزی که ما انسان‌ها هنوز نفهمیده‌ایم یا شاید مدام فراموش می‌کنیم این است که اصلاً نباید از چنین چیزهایی بترسیم. این به این دلیل است که عیسی مسیح از چنین چیزهایی خجالت نمی‌کشید. زیرا خود عیسی مراقبت ویژه‌ای از بیماران و ضعیفان می‌کرد. او به دنبال آنها بود و برای آنها وقت می‌گذاشت و آنها را شفا می‌داد. عیسی مأموریتش را به افراد ضعیف و بیمار مستقیماً به اولین کلیسا منتقل کرد. به همین دلیل است که می‌توانیم به این متن که از یعقوب خواندیم عنوان بزرگی بدهیم و آن این است: «به نام عیسی دعا کنید». مسح با روغن فقط فرهنگی قدیمی است. مهم این است که به نام خداوند عیسی دعا کنیم. این جای تعجب نیست، زیرا وقتی اولین کلیسا به نام عیسی دعا می‌کرد، آنها می‌دانستند که خداوند عیسی در میان آنها حضور داشت. به همین دلیل به نام عیسی دعا می‌کردند. این یعنی که انجمن یا کشیش نیست که در اهمیت است، بلکه خود عیسی. در کلیسای لوتری، این حضور فیزیکی خداوند ما عیسی به ویژه مورد تأکید است. اعتراف نامه‌ی اشمالکالدیک ایمان لوتری است که بیان می‌کند: خود مسیح از طریق انجیل، غسل تعمید و شام خداوند شخصاً حضور دارد. جالب اینجاست که این متن اشمالکالدیک، کاریزمای انجمن را با حضور فیزیکی عیسی پیوند می‌زند. هنگامی که عضوها ی انجمن برای یکدیگر دعا می‌کنند، این کار را به تنهایی انجام نمی‌دهند، بلکه به سفارش و وعده خود خداوند عیسی مسیح دعا می‌کنند. لزومی ندارد که مردم به دنبال انواع روش‌های درمانی معتبر و مشکوک باشند. راهی برای خروج از غار خلوت وجود دارد. راهی برای خروج از ناامیدی وجود دارد. راهی از غار تاریکی تا روشنایی امکان‌پذیر هست. حتی اگر بیماری قابل درمان نباشد، این مسیر همچنان وجود دارد. و خود مسیح چنین راهی است. در کلیسای خود ما تصویری از عیسی، مصلوب شده، در محراب است. خود عیسی از طریق صلیب با گناهکاران و ضعیفان همبستگی نشان داد. عیسی از گناه و ضعف‌های ما شرم‌منده نشد، بلکه آنها را در بدن خود پذیرفت. عیسی همچنین می‌خواهد به ما نشان دهد که واقعاً چه کسی هستیم. ما تصویری نیستیم که تبلیغات رنگارنگ نشان می‌دهند، بلکه در جایی هستیم که مسیح مصلوب شده است: بدبخت و نیازمند، مردمی که به نجات نیاز دارند. ما

مسیحیان نیز مقدس تر، بهتر و اخلاقی تر از دیگری نیستیم. در عوض، ما باید پیوسته به عیسی برای نیرو، کمک و تقدیس نگاه کنیم. از این نظر، ما نیز قلب خود را به روی کسان دیگری که نیازمند هستند باز می‌کنیم: برای بیماران، برای معتادان، برای سالمندان. همه آنها به ویژه مورد محبت، خواسته و پذیرفته شدن خداوند هستند. نامه یعقوب می‌خواهد یخ زدگی ما را بشکند و در واقع به ما می‌گوید: اگر کسی مریض است، باید بزرگان کلیسا را صدا کند و از آنها بخواهد که برایش دعا کنند. ما نباید خجالت بکشیم که به هم مومنان خود زنگ بزنیم و بگوییم برای من دعا کنید! عیسی به دیدن مردم در غارهای متعدّدشان رفت. اکنون او پیروان خود را می‌فرستد و رسماً ما را برای همین کار مأمور می‌کند. چه فرصتی! ما می‌توانیم همان کاری را انجام دهیم که آن چهار دوست انجام دادند وقتی که دوست بیمار خود را از بام به سمت عیسی پایین آوردند و او را زیر پای عیسی گذاشتند. عیسی به ما قول می‌دهد که او یک شفادهنده‌ی همه جانبه است که هم از نظر جسمی و هم از نظر ذهنی ما را شفا می‌دهد. نام عیسی، 'ایشوا'، است به معنای نجات دهنده: یا می‌توانید از او به عنوان "شفا دهنده‌ی همه جانبه" نام ببرید. او نه تنها آمد تا ما را از بیماری‌های خصوصی مان شفا دهد، بلکه اساساً تمامیت انسانی ما را نجات دهد. او در زندگی زمینی ما بهترین شرایط را برای ما می‌خواهد، و زندگی ابدی را پس از آن به ما قول می‌دهد. او می‌خواهد که ما از فراوانی بی‌انتهای خدا استفاده کنیم. خداوند ما عیسی مسیح این را به ما نشان می‌دهد. صلیب او جایی است که او تمام دردها، گناهان و ضعف‌ها را بر عهده گرفته است.

متن یعقوب بسیار روشن می‌کند که عیسی و کلیسا چه اهمیتی برای مسیحیان آن زمان داشتند. کلیسا هنوز هم این اهمیت را دارد. کلیسا جایی است که می‌توانیم در مورد دردهای خود صحبت کنیم، جایی که می‌توانیم برای بیماری‌های خود دعا کنیم، جایی که می‌توانیم گریه کنیم. جایی که می‌توانیم تمام نیازهای خود را در حضور خدا و سایر مردم گسترش دهیم و نیازهای خود را به نام عیسی به خدا برسانیم. ما همچنین می‌توانیم تمام گناهان خود را به نام عیسی در برابر داوری خدا بگذاریم و آزادانه نفس بکشیم. اما بهترین و زیباترین چیزی که عیسی به ما می‌دهد این است که او واقعاً ما را به طور کامل شفا می‌دهد. این دقیقاً همان چیزی است که تبلیغات برای درمان جامع نمی‌تواند ارائه دهد. چیزی که شفای عیسی را بسیار خاص می‌کند این است که او نه تنها به نگرانی‌های روزمره ما رسیدگی می‌کند، بلکه پاهای ما را بر زمین ابدیت قرار می‌دهد و به ما نشان می‌دهد که در واقع می‌خواهد ما را برای همیشه سالم بسازد. حتی در این زندگی، می‌توانیم ببینیم، بچشیم و احساس کنیم که چگونه ابدیت خدا در همه جا می‌درخشد. هنگامی که بیماران، سالمندان و غمگینان با عیسی روبرو شدند، چشمانشان نه تنها به این دلیل که عیسی برای لحظه‌ای بیماری و سن را از بین برده بود، روشن شد بلکه، دل‌هایشان روشن و شادمان شد، زیرا دیدند زنجیرهای شیطان، مرگ و گناه از بین رفت و برای همیشه آزاد شدند. دقیقاً به همین دلیل است که مسیحیان باید همیشه در برابر تجربه بشری شاد باشند. به همین دلیل است که افراد بسیار مسن و مردم در مواجهه با مرگ می‌توانند با شادی در قلب خود برقصند. آنها می‌توانند در قلب خود سبک و شاد باشند، نه به این دلیل که از نظر جسمی سالم شده‌اند، بلکه به این دلیل که چشمانشان باز هست و می‌توانند ببینند که خدا آنها را دوست دارد. خداوند آنها را مخصوصاً در قلب خود گرفته و به آنها نزدیک است. آمین